



۲۰۱۹/۰۱/۲۲

عبدالقیوم میرزاده

نباید مسبب توسعه بحران در کشور گردیم



در اکثر رویداد هایی که در کشور ما اتفاق می افتد، چه این رویداد پهلو ها و اثرات ثمر بخش در اداره و زندگی مردم داشته باشد و یا برعکس اثرات رنج بار و ناگوار بر اداره و زندگی مردم داشته باشد عده ای که من نمی دانم با حفظ حرمت شخصیت انسانی شان چه اسمی بر آنها بگذارم، آماده اند و هر ناسزایی که یاد دارند و چند اصطلاح معین تحریک کننده که قوم گرایان افغانستان ستیز آنرا برای پارچه پارچه ساختن مردم و کشور ما استخراج کرده اند به آدرس این و آن و بخصوص فرد اول کشور حواله می کنند که یکعده نابکاران دیگر به شمول معتادان کودتا که هر کدام چند و چندین کودتا را در کشور راه اندازی و چندی دیگر را طراحی کرده اند به صورت آماده باش در کمین نشسته اند تا به وسیله نوشته های تحریک کننده و شعار های گمراه کن که هیچ ربط و ریشه ای در فرهنگ و اجتماع ما نداشته ذهن مردم را تخدیر کرده و از تحلیل واقعیت ها آنها را فرسنگ ها به دور سازند.

در واقعیت امر هر کدام ما منحصیث انسان های آزاد و اتباع کامل الحقوق کشور ما افغانستان عزیز حق داریم تا در باره رویداد های کشور، مسایل مربوط به زندگی سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی نظریات، پیشنهادات و طرح های خویش را از مجاری مختلف ارائه و بیان داریم. به شرط آنکه این نظریات، پیشنهادات و طرح ها واقعینانه بیانگر و تأمین کننده منافع ملی کشور و در شرایط ناگوار و مداخلات عریان بیگانگان آزمند و خون آشام امروز نفاق افکن نباشد. بر هر فرد این وطن وجیبه و فریضه ملی همانا تحکیم سیستم سیاسی کشور، حمایت از حاکمیت ملی، دفاع از تمامیت ارضی و حفظ و تأمین منافع ملی این سرزمین بلا دیده و مردم آفت زده و رنج کشیده آن می باشد. هرگونه کوتاه نگری، ارائه شعار های گمراه کننده و نا بخردانه و توجیهاات غیر واقعینانه آب به آسیاب دشمنان افغانستان ریخته و ما را به نابودی می کشاند. آنچه برای ما از هر چیز مهمتر است قطع جنگ و آوردن صلح پایدار در کشور می باشد، تأمین صلح فقط و فقط به وسیله حکومت و ارگان های دفاعی و تأمین نظم عامه میسر و ممکن است. اگر امروز مسوولین این بخش ها با درک مسوولیت ملی شان گام های حتی بسیار ابتدایی هم بر میدارند مایه سعد و خوشی است بر همه خبرگان، چیز فهان و همه مردم لازمی است این حرکت های ملی را پشتیبانی کرده تا مجریان آن احساس کنند که برای اقدامات ملی شان طیف های بزرگ مردم را با خود دارند و با این نیرومندی می

توانند گام های استوار بعدی را بردارند این کار از یکطرف باعث استحکام اصول زرین منافع ملی به جای منافع مفسدین و سیستم مافیایی گردیده و سیستم کارتل های مافیایی را در سراسر حوزه قدرت و اقتصاد درهم می شکنند و از طرف دیگر به نیروهای وطن دوست ملی جرئت می بخشد تا بدون هراس وارد میدان کار و فعالیت مردم محور شده و دست مفسدین، قطاع الطریقان، باند های مافیایی و آنانیکه در پی منافع شخصی شان به منافع ملی کشور زیان می رسانند از اداره سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کوتاه می گردد. "ماکس وبر" دولت مدرن را متشکل از ارگان های سیاسی، اداری و امنیتی می داند که حق استفاده انحصاری از زور مشروع بر مردم را در سرزمین معین دارا می باشد، که با ایجاد ادارات قانون گزاری، تطبیق و تحقق قانون در محلات، برقراری نظم و امنیت در سراسر کشور، اداره قضای سالم برای حل اختلافات مردم و انسجام امور برای اتحاد همه مردم این دولت ها را از دولت های خود کامه و مستبد متمایز می گرداند.

اما گروهی آگاهانه در زیر تأثیر اندیشه های افراطی چپ و راست و قوم گرایی و گروهی نا دانسته منحیت دنباله روان مقلدین کور کورانه که من در نوشته دیگر زیر عنوان "سیری در توضیح تعصب، افراط گرایی، لجاجت، تقلید کور کورانه و پیش داوری" آنرا به توضیح گرفته ام، بدون دلایل و براهین منطقی یکسره همه کرده و ناکرده حکومت را به باد ناسزا گرفته و از هر شریر، شرارت گر، دزد، فاسق، راهگیر، رهن، قاتلین زنجیره ای، مافیا های زمین - معادن - چوب - مواد مخدر - اجناس مصرفی داخلی - انسان، فساد پیشگان اداری و صدها دسیسه گران ضد مردم که حکومت سد راه ضد ملی شان می شود، جانب این اوباشان را گرفته و بدون حد اقل معلومات دقیق از کار و زندگی و وابستگی این اخلاص گران نظم عامه، هر کدام شان را قهرمانان افسانوی ملت و اسطوره های ضد طالب معرفی می کنند، اگر این ها همه ضد طالب اند سوال مطرح می گردد. پس چطور بر اساس توجیحات خود همین گروه های نا عاقبت اندیش بیشتر از ۷۵ فیصد افغانستان در دست طالبان است و حکومت در آنجا ها هیچ حاکمیتی ندارد؟ و از جانب دیگر اگر تمام قدرت در دست طالبان است پس شما برای تصفیه حساب و تقسیم قدرت با طالبان در ستیز باشید نه با حکومت که به گفته خود تان هیچ نیرویی در اختیار ندارد. اما هموطنان عزیز نارسایی های موجود در کشور ما تنها از ضعف اداره حکومت نیست بلکه این ضعف از ما و مردم کشور است که حکومت قانون را حمایت نکرده و به نحوی از انحا کمر دشمنان حکومت را بسته می کنیم. حکومتی را که حمایت نمیکنیم نباید از او توقع اجرای خواسته ها، آرمانها و آزادی های مان را داشته باشیم. این بزرگترین بی انصافی و دور از منطق اجتماعی است به سازمانی با این نابسامانی فضای متأثر از جنگ، بی اعتمادی، تجاوز خارجی، حکومت های موازی، زور گویی قدرتمندان برای حفظ منافع شخصی و تنظیمی شان، فساد ریشه دار و ده ها و صد ها مشکل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی به عوض کمک برای برون رفت از این مشکلات او را بیشتر به سمت گودال نیستی و زوال تحت فشار قرار میدهم و در مسند قضاوت هنوز هم خود را حق به جانب و بری الزمه معرفی داریم.

■ چرا ما بیدار نمی شویم؟

■ چرا ما همه مسایل ملی و بین المللی را در قبال کشور خود با چشم بصیرت نمی نگریم؟

■ چرا ما راه های برون رفت را با نفی و محو یکدیگر شروع و ختم می کنیم؟

■ چرا ما توان پذیرفتن یکدیگر را در فضای اعتماد متقابل نداریم؟

- چرا ما این توان را نداریم که برای پروگرام ها و رهنمود ها کارهای ملی گفت و گو و مناظره های سراسری را در سطح کشور سازمان داده و حمایت مردم را در عمل جلب کنیم؟
- چرا ما همیشه نا کارگی و ناتوانی های خود را در تمام عرصه های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی از رئیس جمهور و یکی دو نفر دیگر باز خواست می کنیم؟
- چرا ما در عوض جلب حمایت مردم خویش برای هر کاری به دامن خارجی ها پناه می بریم؟
- چرا به عوض ارائه پیشنهاد سالم، طرح لایحه، مقرر، طرز العمل مؤثر و مفید برای بهبود زندگی مردم و طرز کار اداره دولت در پی تخریب همه سیستم هستیم؟
- چرا در عوض اتحاد همه مردم برای نیل به یک افغانستان مرفه که ما هم در رفاه آن حیات بسر بریم تلاش برای انقطابات و تفرقه های بیشتر و بیشتر اجتماعی، سیاسی و اتنیک هستیم؟

استنباط من این است که بدون حمایت مردم از دولت و بلند بردن درجه اقتدار دولت به وسیله پشتیبانی مردم و تأمین حاکمیت دولتی در سراسر کشور و تا آخرین کناره های سرحدات توفیق حکومت قانون امریست نا ممکن، این را همه مردم باید درک کنند که همه آزادی های شان را در اذای حمایت از دولت به دست می آورند در شرایط حاکمیت ملوک الطوایف، قوماندان سالاری، موجودیت اغتشاش، جنگ و سرکشی نه عرصه برای تحقق آرمان های دیموکراتیک باقی می ماند و نه قدرتی وجود خواهد داشت که از مصونیت و آزادی های مردم حمایت و پاسداری کند. خاصاً که امروز همه کشور هایی که راه تأمین منافع دراز مدت شان از افغانستان می گذرد در وجود همین طالبان و ملوک الطوایف افغانی سرمایه گذاری های فراوان انجام داده اند. جلسه های قطر، مسکو، تهران، دهلی و اسلام آباد به وضاحت می رساند که اگر ما با عقل سلیم در حمایت حکومت مرکزی نکوشیم و مردم را برای اطاعت از قانون راهنما نگردیم و باعث گردیم تا اقتدار دولت را زیر سؤال برده و به تضعیف آن در میان مردم و محلات بکوشیم دیر یا زود خالی قدرت در کشور ایجاد شده و حوادث سال های ۷۰ تکرار می گردد و ما اخلاقاً و وجداناً مسؤول آن هستیم.

بناءً یگانه راه برون رفت از منجلاب جنگ و تأمین صلح در کشور تحکیم یک دولت مقتدر می باشد که پایه های اقتدار آن در کران تا کران کشور برای همه مردم محسوس باشد. برای ایجاد همچو دولتی که بتواند همه پرابلم های کشور را مهار کرده و بحران بزرگی را که کلید حل آن هم اکنون در دستان امریکا، پاکستان (سازمان استخبارات نظامی ISI)، ایران، روسیه و کشورهای دیگر می باشد به صورت موفقیت آمیز مدیریت کند لازم است تا از طریق تیم های متخصص و مدیر اداره چی، جامعه شناس، سیاستمدار، حقوق دان، کارآگاهان نظامی - امنیتی - دفاعی - کشفی و مجاری دیپلوماتیک تمام تدابیر و امکانات را به خرج داده تا این دولت مقتدر بتواند با تدبیر کلید این بحران را به دست خود گیرد، اگر دست بیگانه و عمال داخلی اش از گوشه و کنار کشور و اهرم های اقتصادی کوتاه گردد به یقین به همان تناسب اقتدار دولت در محلات تأمین می گردد. این کاملاً واضح است که بحرانات بین المللی و منطقوی و بحرانات در کشورهای مختلف جهان عمدتاً به وسیله قدرت های بزرگ البته در زمان جنگ سرد بیشترین به وسیله ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی و بعد از آن عمدتاً در تحت ستراتیژی های ایالات متحده امریکا و همکاری و همگرایی اتحادیه اروپا، روسیه به وسیله کشور های زیر حوزه نفوذ شان ایجاد می گردند و حق مدیریت این بحران ها را هم تقریباً همیشه برای خود شان محفوظ نگه می دارند. معمولاً بحران ها به وسیله نفوذی های این قدرت ها از طریق کودتا های نظامی، تظاهرات و آشوب های خونین خیابانی، به قول سخنگویان این قدرت ها " نا

فرمانی های مدنی"، تهیه اسناد جعلی از خطرات احتمالی منظوقوی و بین المللی و جابجایی مهره های کلیدی در دولت ها که منجر به مشاجرات، اختلافات و زد و خورد ها میان رهبران گردیده و هر کدام برای تقویت موضع شان در زیر شعار های دروغین و اغواگرانه از میان مردم شان سرباز گیری کرده و دامنه آشوب ها را تا خارج از مرز های شان و خارج از کنترل توسعه می بخشند و درست همین جاست که بنا بر خود فروختگی، کوتاه نظری و درک نا کامل از اوضاع ملی و بین المللی و پیامد های مداخله خارجی، زمینه مداخله خارجی برای کشور شان را فراهم می گردانند که کنترل اوضاع از دست شان خارج شده و مدیریت بحران به دست آنهایی می افتد که روی این بحران سرمایه گذاری کرده بودند. نباید ما وسیله شویم تا بحران های کشور ما از این بیشتر از کنترل خارج گردند و در شهرها و محلات کشور خالی قدرت ایجاد گردد، لازم است تا از هر اقدام ملی که محلات و شهرها را از وجود دزدان، رهنان، طالبان، داعشیان و قاچاقبران تخلیه و پاکسازی می کند مصممانه حمایت کنیم. نباید دانسته و یا ندانسته قهرمان سازی های بیجا کنیم هر قهرمان در چوکات قانون اساسی کشور و زیر اداره دولت مرکزی قهرمانی اش را برای حفظ حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، نوامیس ملی و جان و مال مردم در برابر زور گویان، دزدان و گروه های مسلح بی بند و بار به اثبات برساند. اشتراک و فزونی نقش مردم در مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت و اداره کشور مشروعیت بیشتر دولت را در میان مردم تضمین می کند.



هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

نبايد مسبب توسعه بحران در کشور گرديم
[Mirzada_a_q_nabayad_mosabeb_bohran_gardem.pdf](#)